

اهمیت سمن یا NGO

در نبود احزاب سیاسی

با نگاهی به انجمن‌های شهرستانی‌های مقیم مرکز

پروفسور سیدحسین امین
استاد پیشین کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیفرنیا

ضعف و ذلت، از کشور فرار کرد. آیا بهتر نبود که چنان پادشاهی وقتی در اوج قدرت بود، اندکی به احزاب سیاسی فرصت می‌داد که دو سه حزب قوی در سطح کشور مثل همه‌ی دموکراسی‌های جهان - لافل مانند ترکیه‌ی همسایه‌ی خودمان - تربیت شوند؟ تا دانشجویان دردمند برای اضمحلال سلطنت به چریک‌ها نیبوندند؟ شاه چه دلیلی داشت که با انحصارطلبی مطلق حزب واحد رستاخیز را درست کند و عضویت آن را هم برای همه‌ی ایرانیان الزامی کند و بگوید هر که عضو این حزب نباشد باید گذرنامه‌اش را بگیرد و از ایران بیرون رود؟

از محمدرضا شاه گذشته، حتا زنده‌یاد دکتر محمد مصدق پیشوای نهضت ملی کردن صنعت نفت هم کمکی به تأسیس و تقویت احزاب نکرد. بی‌شک یکی از دلایل فروافتادن حکومت ملی مصدق، نبود احزاب قوی ملی بود که بتوانند در برابر حزب توده مقاومت کنند. به همین دلیل، انگلیسی‌ها به آمریکایی‌ها وانمود کردند که اگر مصدق را ساقط نکنند، توده‌یی‌ها بر ایران مسلط خواهند شد.

از آن‌جا که اکثریت ایرانیان اعتقادی به احزاب سیاسی ندارند و هنوز تعلقات محلی و منطقه‌یی برای‌شان مهم‌تر است، بسیاری از انجمن‌ها متشکل از شهروندان شهرستان‌های مختلف است که در طول سالیان اخیر در تهران مقیم و مستقر شده‌اند. از جمله‌ی این انجمن‌های فعال می‌توان برای مثال به انجمن اراکی‌های مقیم مرکز،

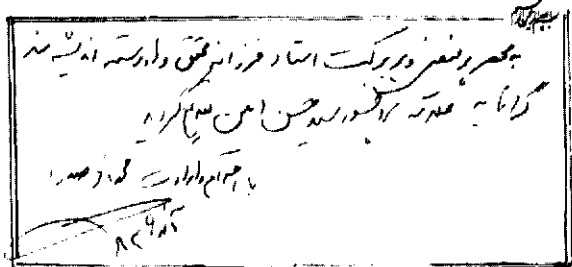
□ سمن (مخفف سازمان مردم‌نهاد)‌ها یا NGO‌ها یعنی سازمان‌های غیردولتی، در جامعه‌ی مدنی اهمیت بسیار دارند. صاحب این قلم، چند سال پیش در همایش «تحقق جامعه‌ی مدنی در ایران» مقاله‌یی با عنوان «جایگاه جامعه‌ی مدنی در قانون اساسی» نوشتم که در همان زمان در مجموعه مقالاتی به همان نام منتشر شد.

در آن مقاله، من اشاره‌یی هم به انجمن‌های ادبی کرده بودم. اکنون اضافه می‌کنم که در سال‌های اخیر انجمن‌های ادبی و هنری و هم‌چنین مجامع صنفی و حرفه‌یی در ایران، در نبود احزاب سیاسی فراگیر، رونق بسیار زیادی یافته‌اند.

همان‌طور که در سرمقاله‌ی شماره‌ی پیشین مجله در آبان ۱۳۸۷ به بهانه‌ی انتخاب اوپاما به ریاست‌جمهوری ایالات متحده‌ی آمریکا نوشتیم، سال‌هاست که دغدغه‌ی اصلی عقلای قوم، فقدان احزاب سیاسی قوی به معنای تشکیلاتی آن است که موجبات چرخش متوازن و متعادل قدرت را فراهم کند؛ به قول یک شاعر معاصر:

احزاب جهان راه نجاتند همه
در جامعه باعث حیاتند همه
در کشور ما چو حزب پر قدرت نیست
این است که بی‌عزم و ثباتند همه

من، تاریخچه‌ی احزاب ایران و اهمیت احزاب را در انگلستان طی مقاله‌هایی در مجله‌ی پروین که آن هم لغو مجوز شد، نوشته‌ام. در این‌جا اضافه می‌کنم که پانگرفتن احزاب، ریشه در فرهنگ استبدادی دارد. محمدرضا شاه پهلوی، در ایران قدرت مطلق داشت. هیچ کار مهمی در کشور صورت نمی‌گرفت مگر آن‌که شخص شاه در آن تصمیم می‌گرفت. به عبارت دیگر، شاهنشاه مملکت که برابر قانون اساسی مشروطیت از مسوولیت مبری بود، در ریز و درشت مسائل مملکت دخالت می‌کرد و چنان هیبتی و ابهتی به هم رسانده بود که وقتی استان چهاردهم مملکت را مفت مسلم به توطئه‌ی انگلیسی‌ها از ایران منتزع کرد، جیک احدی درنیامد. این شاه قدر قدرت، در هیچ زمینه‌یی هیچ‌گونه فرصتی به اپوزیسیون نداد تا وقتی که دیر شد و با



دست خط یکی از رؤسای انجمن‌های ادبی تهران (انجمن اراکی‌های مقیم تهران): به محضر پرفیض و پربیرکت... علامه پروفسور سیدحسین امین تقدیم گردید... محمدباقر صدرا - آذر ۱۳۸۲

ایدئولوژی و هویت

ضیاء مصباح
کارشناس ارشد مدیریت

۱- تعریف ایدئولوژی

ایدئولوژی، مجموعه‌یی به هم پیوسته از معتقدات و مفاهیم است که هدف آن تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی به منظور شناخت تحلیلی آن‌ها و اتخاذ موضع مناسب در برابر آن‌هاست. صرف نظر از دقت و رسایی این تعریف، ایدئولوژی برای کسانی که آن را دارا هستند و بدان به راستی معتقدند، نقش مؤثری در شکل گرفتن هویت اجتماعی به معنی عام و چه‌گونگی تجلی و تبلور آن، در وجوه و سطوح مختلف، بازی می‌کند.

با توجه به همین وضع، ایدئولوژی گاهی به سرزمین‌ها و محدوده‌های بومی یا محلی یا ملی یا میهنی یا مذهبی یا دینی یا طبقه‌یی، منحصر و محدود می‌گردد؛ گاهی هم بر یک کلیت جامع‌تری - که ممکن است کل جامعه‌ی بشری باشد - دلالت می‌کند. ایدئولوژی یک متغیر اجتماعی است با یک پوشش سیاسی که بروز آن و پهنه‌ی آن متأثر از تطورات و تحولات فکری، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی یک جامعه‌ی معین در یک ظرف خاص زمانی و مکانی است.

۲- عوامل و آثار ایدئولوژی

ایدئولوژی، همیشه عواملی (ایده‌آل) در خود دارد: از یک طرف «مدینه‌ی فاضله»ی افلاطونی دو هزار و پانصد سال پیش را شامل می‌شود که در آن سه طبقه‌ی بسیار متمایز (فلاسفه / خردمندان، نظامیان، دیگران از جمله بردگان) وجود دارند؛ از طرف دیگر جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی مارکس را.

روی هم رفته، ایدئولوژی خواه جهان‌شمولی باشد یا محدود، به فرد و گروه هویت مشخص‌تری می‌دهد و از او و گروه، بازیگر بالنسبه آگاه و فعالی می‌سازد.

ایدئولوژی، گاهی از یک کافر غافل، مومن پدید می‌آورد و زمانی از همین به ظاهر مومن، روحانی و افلاکی یک ناسیونالیست دو آتشه، یا یک نژادپرست، یا یک کمونیست جهاندار یا یک کاپیتالیست و میراث‌خوار استعمار به‌وجود می‌آورد.

در راه ایدئولوژی و به حکم تعهد و التزام بدان، گاهی فرد یا گروه از جان خود می‌گذرند. (مال و مقام که جای خود را دارد) یا این‌که به خاطر همان مال و مقام از جان دیگران نمی‌گذرند.

ایدئولوژی گاهی آزادی نسبی فرد و گروه را فراهم می‌سازد و زمانی

انجمن الیگودرزی‌ها و ازناوی‌های مقیم مرکز، انجمن همدانی‌های مقیم مرکز، انجمن قمی‌های مقیم مرکز، انجمن تفرشی‌های مقیم مرکز، انجمن بروجردی‌های مقیم مرکز، انجمن خراسانی‌های مقیم مرکز، انجمن سمنانی‌های مقیم مرکز، انجمن تربتی‌های مقیم مرکز، خانه‌ی کرمانشاه، خانه‌ی نیشابور، خانه‌ی سبزوار و ده‌ها انجمن مشابه دیگر اشاره کرد که من به همه‌ی آن‌ها دعوت شده‌ام. این انجمن‌ها اگرچه جای احزاب سیاسی را نمی‌گیرند، اما به‌عنوان «سازمان‌های مردم‌نهاد» مخصوصاً از جهت فرهنگی و هنری بسیار ارزشمندند. نویسنده به همین دلیل، دو سال قبل از همه‌ی رؤسای انجمن‌های ادبی و محلی دعوت کردم که برای همکاری بیش‌تر و بهتر در سطح کشور، همگی عضو «شورای عالی انجمن‌های ادبی و محلی کشور» شوند. اساسنامه‌ی آن تهیه و به تصویب رسید. اشخاص زیر (به ترتیب اکثریت آراء) به‌عنوان هیأت مدیره انتخاب شدند: پروفسور سید حسن امین (رییس انجمن ادبی ایران)، دکتر محسن فرشاد (رییس انجمن انس و معرفت)، مهندس ایرج حسینی (مدیر عامل بنیاد پروفسور محمود حسینی و دبیر انجمن تفرشی‌های مقیم مرکز)، آریتا نورصالحی (رییس انجمن راهیان نور) و سرهنگ جلال مهدیانی (عضو مؤثر اکثریت انجمن‌های ادبی تهران).

به باور من، همکاری و هم‌دلی بین انجمن‌ها به‌عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد که مستقل از جناح‌بندی‌های سیاسی زودگذرند، می‌تواند خدمت بزرگی در راه حفظ منافع ملی همه‌ی ایرانیان باشد. برای مثال، یکی از پُرونق‌ترین انجمن‌ها در تهران انجمن ادبی اراکی‌هاست که به تنهایی تعداد اعضا و شرکت‌کنندگان آن از تک‌تک احزاب سیاسی موجود در کشور - اعم از حزبی چون مردم‌سالاری و همبستگی یا نهضت آزادی، جبهه‌ی ملی و حزب ایران - بیش‌تر است. برای من بسیار تلخ است که برای ثبت در تاریخ بنویسم که مثلاً در آخرین نشست سازمان حقوق‌دانان یک تشکل باسابقه که برای انتخاب نماینده و معرفی آن‌ها به پلنوم تشکیل شد، فقط سه عضو با حق رأی شرکت داشتند که دو نفر از آن‌ها خودشان نامزد این سمت بودند. اما در انجمن‌های ادبی / محلی، گاهی دویست اقلاً سیصد نفر شرکت می‌کنند. ■

یک توضیح

بر اثر محدودیت‌های مضاعف و مضایق عملی، چاپ مجله، ناخواسته، به تأخیر افتاد. لذا با افزودن تعداد صفحات شماره‌ی آخر و دی ۱۳۸۷ را استثناء در یک شماره منتشر کردیم. مشترکان، عذر ما را بپذیرند. اگر از این بابت بدکار شدیم برای مشترکان خوش‌حساب، کتاب مجانی خواهیم فرستاد و از مشترکان بدحساب هم استعفا داریم در این شرایط سخت. از دغدغه‌های ما لااقل در حد تصفیه‌ی حساب با مشترکان بگناهند.